



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۴/۱۰/۰۸

عبدالباری جهانی

## جعل آشکار

این نوشته نباید، به هیچ صورت، برضد ایران، ایرانی ها، فرهنگ ایران و یا علمای ایران تلقی شود. البته، از سالهای سال به این طرف، شنیده بودم که بعضی و یا اکثر نویسندگان ایرانی جعل کار میباشند. و همین دیروز با یک جعل ادبی یک نویسنده ایرانی روبرو شدم که اصلاً باورم نمی آمد چنین جعلی صورت گرفته باشد. کتابی بدستم رسید « فروغ یزدان» تألیف: ا- نیکوهمت. چاپ ۱۳۳۷ چاپخانه حکمت، قم.

شاید بیخبری اینجانب باشد، که تا به امروز اسمی ازین نویسنده نشنیده بودم. کتاب درباره حضرت علی رض و شخصیت والای او نگاشته شده. در باره شخصیت حضرت علی نظریات علمای ایرانی و همچنین اشعاری از شعرای ادب کلاسیک دری و چند تن از شعرای معاصر آورده شده است. در لابلای اشعار به شعری برخورددم از مولانا جلال الدین بلخی.

وقتی به خواندن شعر مذکور آغاز نمودم، یک قسم اشتباهی شدم؛ چون از مولنای بلخی، در توصیف حضرت علی، تا به این اندازه مبالغه، که کفر محض بود، هیچ تصور نمی کردم. چون سرنامه شعر « مولوی در دیوان شمس تبریزی » بود؛ دیوان را برداشتم و از سر تا پای ردیف دال را پالیدم، قسمیکه بنده هم حدس زده بودم، هیچ اثری ازین شعر را نیافتم. دلچسپ اینست که وقتی به گوگل مراجعه نمودم دیدم که ابیاتی برآن اضافه شده بود که بوی کفر مطلق میداد.

متن شعری که در کتاب آورده شده است:

تا صورت پیوند جهان بود علی بود  
تا نقش زمین بود و زمان بود علی بود  
شاه که وصی بود و ولی بود علی بود  
سلطان سخا و کرم و جود علی بود  
مسجود ملایک که شد آدم ز علی شد  
آدم چو یکی قبله و مسجود علی بود  
هم آدم و هم شیث و هم ایوب و هم ادریس  
هم یوسف و هم یونس و هم هود علی بود  
هم موسی و هم عیسی و هم خضر و هم الیاس  
هم صالح پیغمبر و داوود علی بود  
آن شیر دلاور که از بهر طمع نفس  
در خوان جهان پنجه نیالود علی بود  
آن کاشف قرآن که خدا در همه قرآن  
کردش صفت عصمت و بستود علی بود  
آن عارف سجاد که خاک درش از قدر  
از کنگره عرش برافزود علی بود

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

آن شاه سرافراز که اندر ره اسلام  
تا کار نشد راست نیاسود علی بود  
آن قلعه گشایی که در قلعه خیبر  
برکند بیک حمله و بگشود علی بود  
چندانکه در آفاق نظر کردم و دیدم  
از روی یقین در همه موجود علی بود  
این کفر نباشد سخن کفر نه این است  
تاهست علی باشد و تا بود علی بود  
سر دوجهان جمله ز پیدا و ز پنهان  
شمس الحق تبریز که بنمود؟ علی بود.

بعد ازین قصیده جعلی، قطعه شعری از سعدی شیرازی آورده است که در کلیات اونیز آنرا نیافتم. و به گمان نزدیک به یقین گفته میتوانم که این قطعه شعر هم جعل باشد:

کس را چه زور و زهره که وصف علی کند  
جبار در مناقب او گفت هل اتی  
زور آزمای قلعه خیبر که بند او  
در یکدگر شکست ببازوی لافتی  
مردی که در مصاف زره پیش بسته بود  
تا پیش دشمنان نکند پشت برغزا  
شیرخدا و صفدر میدان و بحر جود  
جانبخش در نماز و جهانسوز دروغا  
دبیاچه مروت و دیوان معرفت  
لشکر کش فتوت و سردار اتقیا  
فردا که هرکسی بشفیعی زنند دست  
ماییم و دست و دامن معصوم مرتضی.

عجب اینست که بنده نه در باره این کتاب و نه در باره شعر مجعول مولانا از هیچ نویسنده ایرانی چیزی نشنیده و نخوانده ام. عجبت اینست که نویسنده های ایرانی مثنوی مولانا را قرآن زبان پهلوی میدانند و مولانا را به مقام پیغمبری می‌رسانند ولی قصاید و غزلیات را بنام او جعل میکنند و هیچ ایرانی نقدی بر آن نمی نویسد.